




RESEARCH ARTICLE

Designing a Public Policy Formulation Model Based on the Behavioral Economics Approach; Case Study: Judicial Policies

Mohammad Fadaee^{1*}, Abbas Nargesian², Ali Asghar Pourezzat³, Seyed Mohammad Sahebkar Khorasani⁴

1. PhD of Public Administration, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: mohammad.Fadaee@ut.ac.ir

2. Associate Professor of leadership & Human Capital Department, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran


Email: anargesian@ut.ac.ir

3. Professor of Policy & Public Administration Department, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran

Email: pourezzat@ut.ac.ir

4. Assistant Professor of Innovation policy and foresight Department, Institute Technology Studies, Tehran, Iran

Email: sahebkar@tsi.ir

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2024.97820>

Received: 26 November 2023

Accepted: 19 February 2024

ABSTRACT

To improve public policies, investigating the causes of policy failures is essential. The policymakers' neglect of key actors' motivations can be one of the main reasons for policy failures, rooted in the policy formulation stage. In this research, by using the behavioral economics approach in the policy formulation process, an attempt has been made to provide a model for policy formulation that guarantees its implementation by aligning the motivation of key actors and stakeholders so that the failure rate of the policy is close to zero. For this purpose, initially, 22 researches were selected and systematically examined among about 100 related research works using a systematic literature review. In the second part, two cases of judicial policies were deeply investigated using multiple case study strategy. Finally, by comparing and summarizing the findings of the two stages, the final model of the research was presented with the title "behavioral organization model of policy".

Keywords: Public Policy Making, Policy Formulation, Behavioral Economics, Judicial Policies, Multiple Qualitative Method

Citation:

Fadaee, Mohammad; Nargesian, Abbas; Pourezzat, Ali Asghar; Sahebkar Khorasani, Seyed Mohammad (2024) Designing a Public Policy Formulation Model Based on the Behavioral Economics Approach; Case Study: Judicial Policies. *Iranian Journal of Public Policy*, 10 (1), 42-57.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2024.97820>

Published by University of Tehran.



This Work Is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International \(CC BY-NC 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)



مقاله پژوهشی

طراحی مدل تدوین سیاست عمومی مبتنی بر رویکرد اقتصاد رفتاری؛ مطالعه موردی: سیاست‌های قضائی ایران

محمد فدایی*^۱، عباس نرگسیان^۲، علی اصغر پورعزت^۳، سید محمد صاحبکار خراسانی^۴

۱. دکتری مدیریت دولتی، گرایش رفتار سازمانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران
* رایانامه نویسنده مسئول: mohammad.Fadaee@ut.ac.ir

۲. دانشیار مدیریت دولتی، گروه رهبری و سرمایه انسانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران
رایانامه: anargesian@ut.ac.ir

۳. استاد مدیریت دولتی، گروه خط‌مشی و اداره امور عمومی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران
رایانامه: pourezzat@ut.ac.ir

۴. استادیار گروه سیاست نوآوری و آینده‌نگری، پژوهشکده مطالعات فناوری، تهران، ایران
رایانامه: sahebkar@tsi.ir

تاریخ دریافت: ۵ آذر ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۳۰ بهمن ۱۴۰۲

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2024.97820>

چکیده

برای بهبود سیاست‌های عمومی، واکاوی علل شکست، ضروری است. عدم توجه سیاستگذار به انگیزه کنشگران کلیدی می‌تواند از اصلی‌ترین علل شکست سیاست‌ها باشد که ریشه در تدوین غلط سیاست دارد. در این پژوهش، با استفاده از کاربست رویکرد اقتصاد رفتاری در فرایند تدوین سیاست تلاش شده است مدلی برای تدوین سیاست ارائه گردد که ضمانت اجرای آن، از نوع هم‌راستایی انگیزه کلیه کنشگران و ذی‌نفعان باشد تا بتواند نرخ شکست سیاست را به نزدیک صفر برساند. بدین‌منظور نخست با استفاده از مرور ادبیات نظام‌مند از میان حدود ۱۰۰ اثر پژوهشی مرتبط، ۲۲ پژوهش برگزیده و مورد بررسی نظام‌مند قرار گرفت. در بخش دوم پژوهش نیز دو مورد مطالعاتی از سیاست‌های قضائی ایران مورد بررسی عمیق قرار گرفت. در نهایت با مقایسه و تجمیع یافته‌های دو مرحله، مدل نهایی پژوهش با عنوان «مدل سازماندهی رفتاری سیاست» ارائه گردید.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری عمومی، تدوین سیاست، اقتصاد رفتاری، سیاست‌های قضائی، روش کیفی چندگانه.

استناد: فدایی، محمد؛ نرگسیان، عباس؛ پورعزت، علی اصغر؛ صاحبکار خراسانی، سید محمد (۱۴۰۳). طراحی مدل تدوین سیاست عمومی مبتنی بر رویکرد اقتصاد رفتاری؛ مطالعه موردی: سیاست‌های قضائی ایران. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۱۰ (۱)، ۴۲-۵۷.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2024.97820>



ناشر: دانشگاه تهران.

مقدمه

ارتقاء کیفیت سیاستگذاری عمومی در سالیان اخیر، مورد توجه سیاستگذاران، پژوهشگران و آحاد جامعه بوده است. حاکمیت، از طریق سیاستگذاری عمومی موضع خود را در قبال مسائل جامعه اعلام می کند. در نتیجه سیاستگذاری عمومی «تصمیم حکومت در قبال یک مسئله عمومی» است (Kraft & Furlong, 2004: 4). دانایی فرد تعریف آندرسون از سیاست را تعریف جامع و مانعی دانسته است: «سیاست بیانگر مجموعه اقدام های به نسبت ثابت و هدف مند است که به وسیله یک فرد یا مجموعه ای از کنشگران برای پرداختن به یک مسئله یا دغدغه دنبال می شود» (دانایی فرد، ۱۳۸۸). اما پرداختن فراوان پژوهشگران به این موضوع مانع از شکست سیاست^۱ نشده است. در سال های اخیر به دلیل افزایش کنشگران مؤثر بر سیاست، افزایش پیچیدگی مسائل و پیش بینی ناپذیری ارتباطات عوامل درگیر با یکدیگر (دانایی فرد و مقدس پور، ۱۳۹۲) سیاست های متعددی با شکست روبرو شده اند. برای فهم بهتر علت شکست سیاست ها، بهتر است، ابتدا مراحل سیاستگذاری عمومی تشریح شود. فرایند سیاستگذاری را برخی سه مرحله ای شامل مراحل تدوین، اجرا و بازخورد و برخی دیگر چهار مرحله ای شامل مراحل تدوین، دستور گذاری، اجرا و بازخورد (الوانی و شریف زاده، ۱۳۹۳: ۲) تعریف کرده اند. در این میان، در بین مراحل متعارف فرایند سیاستگذاری شامل مراحل تدوین، اجرا و ارزیابی، مرحله «تدوین سیاست» از اهمیت مضاعفی برخوردار است به دلیل آنکه علیرغم بسیاری از پژوهشگران علل شکست سیاست را در مرحله اجرا جستجو می کنند (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۹۱)، برخی دیگر معتقدند شکست سیاست، ریشه در عدم توجه به تمهیدات ضروری در مرحله «تدوین سیاست» دارد (Pressman & Wildawsky, 1973: 223). پژوهش پیش رو با قبول فرض فوق به بررسی عواملی پرداخته است که بتواند با اضافه شدن در مرحله تدوین، از شکست سیاست جلوگیری نماید. برای بررسی علمی این موضوع، بررسی نظریات و دیدگاه های «اقتصاد رفتاری» به عنوان تئوری پشتیبان در دستور کار قرار گرفت. در سال های اخیر، تئوری اقتصاد رفتاری با حرکت به سمت رویکردهای عملی و تقویت قدرت پیش بینی پذیری، تلاش کرده است به فرایند سیاستگذاری عمومی کمک کند (Chetty, 2015: 1). بر اساس مطالعات انجام شده، بهترین درگاه برای مداخله اقتصاد رفتاری بر فرایند سیاستگذاری، مرحله تدوین سیاست می باشد (تیلر، ۲۰۰۸). به عبارت دیگر با استفاده از رویکرد اقتصاد رفتاری، مدیران دولتی و سیاستگذاران می توانند در مرحله تدوین سیاست، چیزی تدوین نمایند که با توصیف، پیش بینی و برنامه ریزی منافع ذی نفعان، تا حد خوبی، اجرا نشدنی نباشد. این رویکرد مدعی است اگر یک سیاست عمومی در مرحله اجرا دچار مشکل شد، علت به مرحله تدوین سیاست و در نظر نگرفتن ملاحظات برمی گردد که ممکن است به دلیل بروز تعارض میان منافع کنشگران و ذی نفعان کلیدی سیاست با منافع عامه (که هدف سیاستگذار بوده است) رخ داده باشد (امیری، ۱۳۹۶). بنابراین برای اصلاح و ارتقاء کیفیت سیاستگذاری برای حل مسائل عمومی جامعه، به جای بازنگری در مرحله اجرا، باید در مرحله تدوین سیاست، تغییراتی را بوجود آورد. در همین راستا و با توجه به توضیحات ذکر شده، سؤال فرعی پژوهش نیز مشخصاً بر چگونگی همراستاسازی «منافع کلید ذی نفعان کلیدی و کنشگران سیاست مدنظر» با «منافع عامه» متمرکز شده است. از سوی دیگر، با توجه به اینکه، بررسی علل شکست در سیاستگذاری ها و بررسی انگیزه کنشگران هر بخش، اقتضات و ملاحظات خاص خود را دارد، در این پژوهش، روی سیاست های بخش قضاء تمرکز شده است. پس بنابراین و با توجه به توضیحات ذکر شده، سؤال اصلی و فرعی پژوهش عبارت است از اینکه مدل تدوین سیاست (با تأکید بر سیاست های قضائی) مبتنی بر رویکرد اقتصاد رفتاری چیست؟ و چگونه می توان «منافع کنشگران کلیدی سیاست» را با «منافع عامه مدنظر سیاستگذار» همراستا و همگرا کرد؟

بحث و چارچوب نظری

بازنگری در فرض عقلانیت کامل

نظریات علمی ریشه در بنیان‌های فلسفی و مفروضات بنیادین دارند و تفاوت عمده میان نظریات به پیش‌فرض‌های بنیادین آن‌ها برمی‌گردد. یکی از پیش‌فرض‌های بنیادین در علوم انسانی، نگاه به انسان و بینش‌های انسان‌شناختی است. مفروض اولیه در شناخت و توصیف انسان و تحلیل رفتارهای وی متکی به مبنایی بود که از آن با عنوان عقلانیت کامل یاد می‌شد (امیری، ۱۳۹۶). سطره نظری رویکرد عقلانیت کامل به قدری جدی بود که توانست تحت عنوان رویکرد «انتخاب عقلایی» به حوزه سیاست‌گذاری عمومی هم منتقل شود (Dowding & King, 1995) تا جایی که جریان اصلی این رشته و عمده نوآوری‌های بعدی را به خود اختصاص داد (Kevin & Larmier, 2009). در فرض عقلانیت و تئوری برآمده از آن یعنی انتخاب عقلایی، ارزیابی گزینه‌های پیش‌رو و انتخاب گزینه اولویت‌دار دستور کار اصلی است (Park, 2000). این تئوری بر اقداماتی متمرکز است که ناظر بر یک هدف مشخص، قابل‌سنجش و قابل صورت‌بندی، طرح‌ریزی می‌شود. دیدگاه عقلایی معتقد است انسان‌ها توانایی ذهنی بالا، عقلانیت کامل، حافظه بسیار قوی و قدرت استنتاج فوق‌العاده داشته و بنابراین می‌توانند در محیط پیچیده و دارای متغیرهای چند بعدی، پس از احصاء و مقایسه کلیه حالات متصور، با ارزیابی و نمره‌دهی بهترین گزینه را انتخاب کرده و بر مبنای آن تولید تصمیم نمایند (Hugh & Daniel, 1986). بعدتر این دیدگاه توسط هربرت سایمون و دیدگاه «عقلانیت محدود» که جزء پدران فکری رشته اقتصاد رفتاری بشمار می‌رود، مورد نقد قرار گرفت. سایمون معتقد بود ظرفیت فکری انسان محدود است در حالیکه محیطی که او در آن قرار گرفته بسیار پیچیده، نامتناهی و دشوار است. اصطلاح عقلانیت محدود اشاره به همین نارسایی ذهنی و فکری انسان‌ها در مقایسه با پیچیدگی‌های تصمیم‌گیری در محیط واقعی و پرتلاطم اجتماعی است (Simon & James, 1958). باور منتقدین این بود که راهی که عقلانیت کامل برای مطالعه جهان پیچیده امروز انتخاب کرده‌است، موجب حذف بسیاری از زمینه‌ها و عوامل موثر شده و به‌نوعی «ساده‌سازی افراطی واقعیت» است (Griggs, 2007).

اقتصاد رفتاری

تاریخچه مفهوم اقتصاد رفتاری، با پژوهش پیشگامانه جرج کاتونا (۱۹۵۱) گره خورده است (Gilad & Kaish, 1984). وی نخستین کسی بود که از واژه اقتصاد رفتاری برای توضیح مفهوم مدنظر خویش که «کاربست روان‌شناسی در تحلیل رفتار انسان‌ها بود»، استفاده کرد. گروه دیگری از اندیشمندان برای هربرت سایمون سهم بیشتری در مقایسه با جرج کاتونا در شکل‌گیری اقتصاد رفتاری قائل شده‌اند؛ چرا که او ابتدائاً تئوری‌های روان‌شناسی را برای نقد فرضیات اقتصادی به کار بست و برخلاف کاتونا تلاش کرد علاوه بر نقد گزاره‌های متعارف، به‌ویژه نقد گزاره انسان اقتصادی، بدیل جدیدی نیز پیشنهاد دهد (Gilad & Kaish, 1982). از نظر سایمون علم اقتصاد نیازمند ساخت نظریه‌ای بود که بر مبنای عقلانیت محدود استوار شده باشد و اساساً فرضیه‌ای تحت عنوان عقلانیت کامل امری غیرممکن است؛ از این‌رو باید از طریق شیوه‌های دقیق و بر اساس تجربه و شواهد فرضیات جدید را تأسیس و سپس آن‌ها را آزمون کرد (حسینی، ۲۰۰۳). به طور خلاصه، می‌توان ویژگی‌های زیر را به‌عنوان فصل مشترک دیدگاه‌های معتبر برای اقتصاد رفتاری برشمرد: رویکردی میان‌رشته‌ای و مرتبط با حوزه روان‌شناسی، علوم اجتماعی، انسان‌شناسی و اقتصاد، اصلاح فروض اقتصاد متعارف به‌ویژه اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک، تلاش در جهت ارائه تصویری واقع‌گرا از رفتار انسانی شامل نیت، اعتقادات، انگیزه‌ها، احساسات و امثال آن، اتکاء به مطالعات تجربی و مشاهدات میدانی و توانایی در ارائه پیش‌بینی رفتاری و تجویز سیاست‌های کارا و پیش‌برنده

سیاستگذاری قضائی

یکی از طبقه‌بندی‌های رایج سیاست‌های عمومی، طبقه‌بندی بر مبنای بخش است. اقتصاد، سلامت، سیاست، فرهنگ و هنر، امور زیربنایی و مسکن، محیط زیست، حمل و نقل، آموزش، دفاعی و تجارت از جمله بخش‌های سیاستگذاری عمومی است. یکی از این بخش‌ها، قضاء و سیاست‌های قضائی است. سیاستگذاری قضائی مربوط به تدبیر دولت در بخش حقوقی - قضائی بوده که یکی از اصلی‌ترین زیرساخت‌های توسعه به‌شمار می‌رود. به‌طور مثال در شاخص‌های جهانی رونق کسب و کار از ۱۰ مؤلفه برگزیده، ۵ مؤلفه شروع کسب و کار، حقوق مالکیت، حمایت از سهامداران خرد، اجرای قرارداد و حل و فصل ورشکستگی از جمله مواردی است که در دایره سیاست‌های قضائی قرار می‌گیرد^۱. مجلس شورای اسلامی با تکیه بر آراء کارشناسی و تصمیم‌سازی کمیسیون قضائی، در کنار مجمع تشخیص مصلحت نظام نهاد سیاستگذار اصلی کشور در حوزه موضوعات قضائی است. تعداد سیاست‌های قضائی طرح شده یا ارجاع شده به کمیسیون قضائی مجلس شورای اسلامی تاکنون بالغ بر ۱۱۰۰ سیاست بوده است^۲. قوه قضائیه و هیئت‌دولت نیز از طریق تصویب و ارسال لایحه به مجلس در سیاستگذاری قضائی مشارکت می‌کنند. قوه قضائیه مجری سیاست‌های قضائی است. تدوین، تصویب و ابلاغ آئین‌نامه‌ها، برنامه‌ها، بخشنامه‌ها و سایر مقرره‌های قانونی در اختیار قوه قضائیه است؛ از جمله برنامه توسعه و تحول قضائی که در سال ۱۳۹۹ تدوین و ابلاغ گردید.

خلاء پژوهشی احصاء شده

موضوع پژوهش حاضر، طراحی مدل تدوین سیاست عمومی مبتنی بر رویکرد اقتصاد رفتاری با تمرکز در بخش سیاست‌های قضائی است. آنچه از مرور ادبیات و پیشینه پژوهش بدست آمد، تأکید مجدد بر وجود خلاء پژوهشی و ضرورت اجرای پژوهش حاضر بود. مواردی شامل عدم پرداختن به اقتضائات اختصاصی تدوین سیاست قضائی در پژوهش‌های پیشین، فقدان سیاست‌پژوهی با رویکرد رفتاری، ناشناخته‌بودن پژوهش‌های رفتاری برای پژوهشگران داخلی به‌ویژه اندیشمندان حوزه مدیریت دولتی، سیاستگذاری و سیاستگذاری عمومی، فقدان پژوهش‌هایی با جامعه و نمونه بومی و تعمیم‌پذیر و نیز عدم توسعه پژوهش‌ها به سطح سیاست پژوهی ملی است. از همین رو پژوهش حاضر، اولاً مبتنی بر رویکرد اقتصاد رفتاری، ثانیاً با روش مطالعه موردی تجربی و ثالثاً با تمرکز بر حوزه قضائی تعریف شد. روش‌شناسی پژوهش و یافته‌های بدست‌آمده، در بخش‌های بعدی به تفصیل ارائه شده است.

روش‌شناسی

باتوجه به اینکه موضوع پژوهش حاضر، دارای ماهیتی رفتاری - اجتماعی بوده و نحوه و مکانیزم تعامل بین کنشگران و ذی‌نفعان سیاست، وجه اصلی پژوهش می‌باشد، و باتوجه به اینکه تعاملات اجتماعی ذاتاً امری نسبی و برساختی بوده و بسته به تفهیم و ادراک فرد، متفاوت و متمایز می‌شود؛ و باتوجه به هدف پژوهش که طراحی مدل تدوین سیاست بوده و عملاً قائل به تغییر و انسان‌شناسی فعال بوده، به‌نظر می‌رسد پارادایم «رتالیسم انتقادی» به‌دلیل رویکرد عینیت‌گرا در هستی‌شناسی و رویکرد برساختی و ذهنیت‌گرا در معرفت‌شناسی بهتر می‌تواند اهداف پژوهش را برآورده سازد. بنابراین پارادایم پژوهش حاضر، رتالیسم انتقادی بوده و متعاقب آن، از روش‌های پژوهش کیفی استفاده خواهد شد. همچنین باهدف افزایش اتقان یافته‌ها، روش پژوهش کیفی چندگانه در دو مرحله کلی، در دستور کار قرار گرفت. در مرحله اول از استراتژی «مرور ادبیات نظام‌مند» و مرحله دوم از استراتژی «مطالعه موردی چندگانه» استفاده گردید.

1. [Http://www.doingbusiness.org/content/dam/doingBusiness/country/i/iran/ir.pdf](http://www.doingbusiness.org/content/dam/doingBusiness/country/i/iran/ir.pdf)

۲. سامانه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به نشانی rc.majlis.ir

الف) مرور ادبیات نظام‌مند

در فرایند مرور ادبیات نظام‌مند، صرفاً پژوهش‌هایی وارد فرآیند بررسی نظام‌مند می‌شوند که براساس روش‌شناسی علمی مشخصی صورت گرفته و از فرایند گردآوری و تحلیل داده برخوردار باشند. این مطالعات ابتدا غربال شده، سپس وارد فرآیند بررسی نظام‌مند گردیده و در نهایت یافته‌های به‌دست‌آمده براساس سؤال پژوهش صورت‌بندی و ارائه می‌گردد (Bettany, 2012). در این مرحله کلیه پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با کلیت یا اجزا پژوهش از جمله پژوهش‌های سیاستگذاری و سیاستگذاری با رویکرد اقتصاد رفتاری، مدل‌های تدوین سیاست رفتاری و مدل‌های سیاستگذاری قضائی احصاء که نزدیک به ۱۰۰ پژوهش را شامل می‌شد. پس از غربال چندباره باهدف احصاء پژوهش‌های مشتمل بر گردآوری و تحلیل داده و نیز با حذف موارد مشابه، در نهایت ۲۲ پژوهش برگزیده و وارد فرایند مرور نظام‌مند گردید. بدین‌منظور ابتدا انتخاب و تحدید حدود و ثغور موضوع پژوهش صورت گرفت، سپس با تعریف مجدد سؤال پژوهش، بازچینی سؤالات پژوهش صورت گرفت؛ در گام چهارم و پنجم و ششم پروتکل پژوهش، مدل ذهنی پژوهش و اهداف و سؤالات پژوهش مکتوب گشت. سپس معیارهای شمول و عدم شمول مشخص گشت و در گام دهم، داده‌های موردنیاز از پژوهش‌های بررسی‌شده استخراج شد؛ سپس داده‌ها، طبقه‌بندی، دسته‌بندی و کدگذاری شدند. سپس تم‌بندی صورت گرفت و در نهایت نتایج نهایی تولید و یافته‌ها ارائه شد. فهرست پژوهش‌های برگزیده به شرح زیر است.

جدول ۲. فهرست پژوهش‌های برگزیده در فرایند مرور ادبیات نظام‌مند

نویسنده و سال انتشار	عنوان پژوهش	نتایج و یافته‌ها
الف میثم امیری فرهاد رهبر ۱۳۹۴	بررسی رویکرد اقتصاد رفتاری بر سیاستگذاری عمومی	توصیه مدلی جهت سیاستگذاری عمومی رفتاری
ب خدیجه مختارزاده ۱۳۹۴	طراحی مدل تدوین سیاست مقابله با فساد اقتصادی (کشور افغانستان)	وجود ارتباط معنادار بین انگیزه درونی ارتکاب به جرم و تخلف (انگیزه‌های رفتاری) با نرخ ارتکاب به فساد و کاربست ملاحظات کنترل انگیزه در کاهش نرخ جرم و فساد اقتصادی
ج الهه خضری ۱۳۹۷	تعریف الزامات اخلاقی مبارزه با فساد اقتصادی	تعیین دلالت‌ها و خطوط قرمز سیاستگذاری قضائی باتوجه به مخاطرات اخلاقی و انگیزشی
د مجتبی جبارپور ۱۳۸۹	تجزیه و تحلیل سیاست‌های مبارزه با فساد در برنامه‌های توسعه	تدوین مؤلفه‌های اثرگذار در کاهش ارتکاب به فساد در فرایند تدوین سیاست باتوجه به فرایند تحلیل انگیزه
ه Kenneth Costello 2018	Electrification: The Nexus Between Consumer Behavior and Public Policy	بازخوانی و احصاء مؤلفه‌های مؤثر بر فرایند تصمیم‌گیری (از منظر رفتاری) و دلالت آن در فرایند سیاستگذاری عمومی
و Matthew Worley Steven Shoptaw Warren Bickel 2015	Using Behavioral Economics to Predict Opioid Use During Prescription Opioid Dependence Treatment	تدوین مدل پیش‌بینی مدل تصمیم‌گیری و رفتار مبتنی بر اقتصاد رفتاری براساس رکورد رفتار فرد در موقعیت‌های نیازمند تصمیم‌گیری
ز Andrius Guzavious 2015	Education As Public Good: Behavioral Economics Approach	احصاء و تدوین مؤلفه‌های انسان‌شناختی رفتاری و مدل‌سازی ارائه خدمت عمومی (مطالعه موردی موضوع آموزش پایه) براساس تابع بهینگی
ح Dimitar Kanev Venelin Terziev 2018	Behavioral Economics: Development & Condition & Perspectives	احصاء مؤلفه‌ها، رویکردها و دلالت‌های اقتصاد رفتاری به فرایند تدوین و اجرای سیاست (به‌صورت ضمنی)
ط Steven D. Levitt John A. Lis Susane Neckerman Sally Sadof 2012	Leveraging Behavioral Economics to Improve Educational Performance	ارائه مدلی برای کاربست اقتصاد رفتاری در فرایند سیاستگذاری و حل مسئله عمومی باتمركز بر موضوع آموزش‌های پایه
ی Dean Spear 2011	Economic Decision-Making in Poverty Depletes Behavioral Control	مقایسه تطبیقی الگوی تصمیم‌گیری عقلایی و تصمیم‌گیری رفتاری و نمونه‌ای از کاربردی‌سازی مدل کنترل رفتاری در توصیف مکانیزم و فرایند مداخله انگیزه‌ها و عواطف در فرایند تصمیم‌گیری و رسیدن به رفتار

مدل‌سازی کاربری اقتصاد رفتاری در فرایند حل مسئله عمومی باتمركز بر توصیف رفتاری و درك عمیق جزئیات مداخله انگیزه‌ها و تلنگرها در فرایند تصمیم‌گیری و رفتار و چگونگی جایگزینی آن با فرایند عقلایی مشهور	Household Energy Use: Applying Behavioral Economics to Understand Consumer Decision-Making and Behavior	2015	Elisha R. Frederiks V. Elizabeth Hobman	ک
مداخله مؤلفه‌های برآمده از نگرش اقتصاد رفتاری در فرایند تدوین سیاست‌های عمومی باهدف کاهش میزان فقر و نمایش میزان اثربخشی کاربری الگوی اقتصاد رفتاری در کاهش آسیب‌ها و مخاطرات اجتماعی و افزایش توان دولت برای بهبود مداخله‌های سیاستی	Behavioral Economics and Marketing in Aid of Decision Making Among the Poor	2006	Marianne Bertrand Sendhil Mullainatan Eldar Shafir	ل
توصیف و مدل‌سازی الگوی تصمیم‌گیری و رفتار انسان و تثبیت انگاره‌های انسان‌شناختی تئوری‌های رفتاری (ازجمله اقتصاد رفتاری) در توضیح فرایند تصمیم‌گیری فرد	Applied Behavioral Economics and Consumer Choice	2003	Diane F. Diclement Donald A. Hantula	م
مطالعه موردی از کاربری مدل اقتصاد رفتاری در فرایند سیاستگذاری کنترل مالیاتی و افزایش درآمدهای دولت	Tax Behavioral Economics and Policy	2009	William Congdon Jeffrey R. Kling Sendhil Mullainathan	ن
فرایند تدوین سیاست جرم و قضاء و پیامدسنجی اثرات آن از طریق تحریک مؤلفه‌های انگیزشی و محیطی	Long-Term Effects of the Moving to Opportunity Residential Mobility Experiment on Crime and Delinquency	2013	Matthew Sciandra Lisa Sanbonmatsu Greg J. Duncan Lisa A. Gennetian Lawrence F. Katz Ronald C. Kessler Jeffrey R. Kling Jens Ludwig	س
احصاء مؤلفه‌های هنجاری و تجویزی اقتصاد رفتاری به‌عنوان تلاشی برای تمهید مقدمات تدوین مدل‌های بین‌رشته‌ای براساس اقتصاد رفتاری	Normative Behavioral Economics	2003	Nathan Berg	ع
مدل‌سازی اقتصاد رفتاری برای تجویز بسته‌های سیاست (مطالعه موردی حمل و نقل و تغییرات اقلیمی)	On the Use and Potential of Behavioral Economics from the Perspective of Transport and Climate Change	2012	Erel Avineri	ف
تدوین چارچوب نظری اقتصاد رفتاری و کاربردی‌سازی آن در تحلیل رفتاری سیاست‌های بخش رفاه	Beyond Revealed Preference: Choice-Theoretic Foundations for Behavioral Welfare Economics	2015	B. Douglas Bernheim Antonio Rangel	ص
تدوین مؤلفه‌های انگیزشی و معطوف به اراده و نحوه مداخله آن در تصمیم‌گیری و رفتار فرد	The Behavior Analysis of Consumer Choice: An Introduction to the Special Issue	2003	Gordon R. Foxall	ق
بازخوانی و اندازه‌گیری اثر متغیرهای رفتاری بر تصمیم‌گیری فرد (مطالعه نظام رأی‌گیری و تصمیم‌گیری‌های رفتاری در آن)	Indecision Theory: Quality Information and Voting Behavior	2002	Paolo Ghirardato Jonathan N. Katz	ر
کاربری اقتصاد رفتاری در فرایند سیاستگذاری قضائی و نمایش متغیرهای سازنده آن	The Value of Behavioral Economics for EU Judicial Decision-Making	2020	Christoph K. Winter	ش
تدوین و تبیین ویژگی‌ها و متغیرهای رفتاری فرد در هنگام ارتکاب جرم (مبتنی بر نگرش اقتصاد رفتاری) و نحوه مدل‌سازی آن در تجویز سیاست‌های قضائی	تصمیم‌گیری مجرمان از منظر اقتصاد رفتاری و دلالت‌های آن در سیاستگذاری کیفری	۱۴۰۱	حمید بهره‌مند و زهرا ساکینی	ت

ب) مطالعه موردی چندگانه

مطالعه موردی چندگانه، پژوهشی است که در آن بیش از یک مورد، مورد بررسی و پژوهش قرار بگیرد. استراتژی برگزیده پژوهش پیش‌رو به‌دلیل تلاش برای یافتن الگوهای تکرار شونده و نیز بدلیل آنکه مرز بین پدیده و محیط به وضوح روشن نیست (ین، ۱۳۸۷)، از نوع مطالعه موردی و به‌دلیل بررسی دو مورد مطالعاتی، از نوع مطالعه موردی چندگانه است. لازم بذکر است که در

مطالعه موردی چندگانه، ابتدا هر مورد به صورت جداگانه توصیف شده و مضامین درون آن استخراج شده (تحلیل درون موردی) و بعد به وسیله تحلیل مضمونی از همه موردها (تحلیل میان موردی) نتایج نهایی تدوین می‌گردد (کرسول، ۱۳۹۰).

جدول ۳. مراحل اجرای پژوهش در استراتژی مطالعه موردی

مراحل	شرح	اقدام صورت گرفته در پژوهش
مرحله ۱: انتخاب موردهای مطالعه	تعیین اینکه موردهایی که قرار است مورد مطالعه عمیق و همه‌جانبه قرار بگیرند کدامند و بر چه اساسی برگزیده شده‌اند.	در این مرحله موردهای برگزیده پژوهش عبارتند از طرح «اصلاح قانون چک» و «لایحه ساماندهی اسناد عادی»
مرحله ۲: انتخاب چارچوب نظری اولیه	چارچوب نظری اولیه در فاز اول پژوهش و براساس مرور ادبیات نظام‌مند تدوین شده است.	براساس یافته‌های بخش مرور ادبیات نظام‌مند بدست آمد.
مرحله ۳: گردآوری نظام‌مند داده‌ها	در استراتژی مطالعه موردی از کلیه روش‌های گردآوری ممکن برای جمع‌آوری داده استفاده می‌شود.	استفاده از روش‌های مشاهده مستقیم، مشاهده غیرمستقیم، بررسی اسناد و سوابق بایگانی، مشاهده مشارکتی، شواهد و مدارک فیزیکی، گروه کانونی و مصاحبه
مرحله ۴: تحلیل داده‌های گردآوری شده	این مرحله پس از غوطه‌وری در داده و براساس یکی از روش‌های تحلیلی تعریف شده شامل هم‌تیمی، ردیابی فرایند یا تحلیل تجانس صورت می‌پذیرد.	در این پژوهش به دلیل تلاش پژوهشگر برای کشف تبیین زنجیره علی و آشکارسازی روابط پنهان و ساخت نظریه (Beach & Pedersen, 2019) از روش ردیابی فرایند استفاده شد.

روش‌های گردآوری داده در این پژوهش که بیشتر از یک‌سال فعالیت مستمر را شامل شده است عبارتند از مطالعه اسناد و منابع متنی، مطالعات تطبیقی، مشاهدات مستقیم، غیرمستقیم و مشارکتی، شرکت در جلسات کارشناسی و تصمیم‌گیری و برگزاری زنجیره‌ای از مصاحبه‌های باز و نیمه‌ساخت یافته. پس از رسیدن به مرحله اشباع در گردآوری داده، مرحله تحلیل داده آغاز می‌شود. تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست‌آمد، «قلب تئوری‌پردازی» در روش مطالعه موردی است. در این روش روند تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق تفسیر داده‌ها، جستجوی تم‌ها، متراکم کردن داده درون تم، و مقایسه تم‌ها با یکدیگر انجام می‌پذیرد (شوشتری‌پور، ۱۳۹۵).

نتایج تحقیق

یافته‌های پژوهش شامل دو بخش یافته‌های برآمده از مرور ادبیات نظام‌مند و یافته‌های مطالعه موردی چندگانه است.

یافته‌های بدست‌آمده از مرور ادبیات نظام‌مند

همان‌طور که اشاره شد، در مرحله گردآوری مقالات، پایگاه‌های داده و پژوهش‌های مرتبط، بیش از ۱۰۰ کار پژوهشی در قدم نخست جمع‌آوری گردید که از میان آن‌ها باتوجه به اقتضات پژوهش پیش‌رو و پس از حذف نمونه‌های تکراری یا دارای ایراد، نهایتاً ۲۲ مقاله و اثر پژوهشی استخراج شده و وارد فرایند مرور ادبیات نظام‌مند شد. فصل مشترک کلیه پژوهش‌های منتخب پرداختن به تدوین سیاست عمومی متناسب با رویکردهای رفتاری (اعم از اقتصاد رفتاری، سیاستگذاری رفتاری، انسان‌شناسی رفتاری و ...) بوده و حوزه‌های متنوعی از جمله بخش قضائی، سیاست‌های اقتصادی و پولی، سیاست‌های توسعه، سیاست‌های بخش سلامت، سیاستگذاری عمومی، سیاستگذاری فقر و توسعه عدالت را شامل شده است. در ابتدا دیدگاه اقتصاد رفتاری به الگوی تصمیم‌گیری و رفتار انسان به‌عنوان سوژه اصلی پژوهش به شرح زیر بدست آمد.

جدول ۴. انگاره‌های انسان‌شناختی برآمده از اقتصاد رفتاری

مقوله‌ها	سازه‌ها	مؤلفه‌ها (کدها)	پژوهش‌های مرتبط با هر سازه
جهان‌بینی و نظام ارزش‌ها	CI	رفتار متمایز انسان‌ها در موقعیت تصمیم‌گیری با نظام‌های فکری متمایز عدم پیش‌بینی پذیری در کلیه تصمیمات فرد	الف، ج،

مقوله‌ها	سازه‌ها	مؤلفه‌ها (کدها)	پژوهش‌های مرتبط با هر سازه
انسانیت محدود	فرهنگ و نظام هنجارها	C2	رفتار متمایز انسان‌ها در کشورها و فرهنگ‌های مختلف تبعیت تصمیمات فرد از هنجارهای حاکم بر جامعه در هر موقعیت
	تأثیرپذیری از هژمونی	C3	گرایش به یک‌رنگی و یک‌دستی در تصمیم‌گیری‌ها
	تأثیرپذیری از ساختار تصمیم‌گیری	C4	تأثیر شگرف گزینه‌های پیش‌روی فرد در تصمیم‌گیری پذیرش محدودیت‌های تصمیم و انطباق رفتار با آن تعدیل مطلوبیت‌ها متناسب با ساختار تصمیم‌گیری
عقلانیت محدود	تأثیرپذیری از تبلیغات و پروپاگاندا	C5	تأثیرپذیری از تبلیغات اثر فوق‌العاده مراجع انسانی (افراد شاخص) همبستگی بین کمپین‌ها و موفقیت‌های سیاستگذار
	توان محدود در احصاء کلیه گزینه‌ها	C6	فقدان انگیزه برای احصاء کلیه گزینه‌ها فقدان دانش برای احصاء کلیه گزینه‌ها عدم دسترسی به اطلاعات لازم برای احصاء کلیه گزینه‌ها
	توان محدود در محاسبه میزان منفعت و ضرر هر گزینه	C7	فقدان نرم‌افزار، مهارت و تجربه کافی برای محاسبه تبعات هر گزینه فقدان زمان و انگیزه لازم برای محاسبه
منفعت‌طلبی محدود	توان محدود در مقایسه بین گزینه‌های تصمیم‌گیری	C8	فقدان دانش تخصصی فقدان دسترسی به اطلاعات لازم
	انسان اجتماعی و توجه به قرار گرفتن در نسبت با جامعه	C9	تعریف رفاه در نسبت با پیرامون تعریف مطلوبیت‌های اجتماعی در نسبت با جامعه
	دل‌سوزی و خیرخواهی	C10	وجود انگیزه‌های نوع‌دوستی و بشردوستانه وجود عذاب وجدان و لزوم کنش نوع‌دوستانه برای پاسخ به آن
خوشبین‌داری محدود	انگیزه‌های معنوی و اخروی (توسعه نفع‌گرایی به جهان دیگر)	C11	انگیزه‌های اخروی و باور به پاداش اخروی
	توان محدود در برابر تصمیمات صحیح تمایل درونی به انتخاب‌های مضر	C12 C13	غلبه گرایش‌ها و تمایلات بر محاسبات ذهنی و مطلوبیت‌های ارزش‌مدار وجود کنش و گرایش درونی (هوای نفس) برای تأمین مواردی خلاف صلاح فرد

همچنین در پاسخ به پرسش فرعی پژوهش که عبارت بود از «چگونگی هم‌راستاسازی منافع کنشگران کلیدی سیاست با منافع عامه» نیز بررسی‌های مرور ادبیات نظام‌مند دارای جمع‌بندی و ماحصلی است که در ۷ سازه و ۳ مقوله فهرست‌بندی شده و در جدول زیر ارائه شده است. در ادامه فرایند و چگونگی هم‌راستاسازی نیز طرح شده است.

جدول ۵. عوامل مؤثر بر هم‌راستاسازی منافع کنشگران سیاست با منافع عامه برآمده از مرور ادبیات نظام‌مند

مقوله‌ها	سازه‌ها	مؤلفه‌ها (کدها)
منافع دولت (قوای مشروع سیاستگذار)	منافع کنشگر دولتی سیاست	I1
	منافع ذی‌نفعان بخش دولتی	I2
منافع نهادهای واسطه (اصناف، واسطه‌ها و ...)	منافع کنشگر صنفی سیاست	I3
	منافع ذی‌نفعان صنفی سیاست	I4

مؤلفه‌ها	سازه‌ها	مؤلفه‌ها (کدها)
منابع علمی	منافع کنشگران بزرگ رقیب صنف	۱۵
	ذی‌نفعان مستقیم (بالفعل)	۱۶
	ذی‌نفعان غیر مستقیم (بالقوه)	۱۷

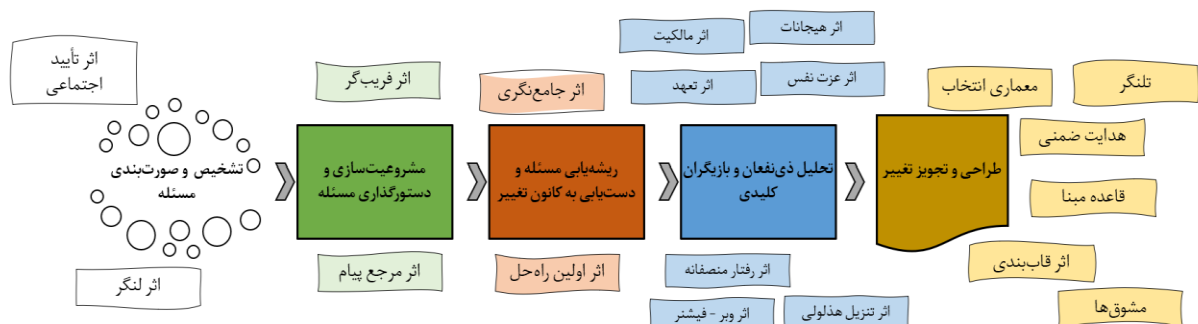
براساس مؤلفه‌ها و عوامل بدست آمده در جدول فوق، **سه سناریو** متصور در مورد هم‌راستاسازی منافع کنشگران، به شرح زیر است:

- ۱- در صورتی که تعارضی بین سه رکن وجود نداشته باشد که در این صورت نیاز به اقدامی نیست.
- ۲- در صورتی که تعارضی بین رکن دولت و عامه وجود نداشته باشد و صرفاً منافع نهاد واسط دچار اختلال گردد، لازم است به‌وسیله طراحی ضمانت اجرایی‌های مؤثر و ممکن، نهاد واسط را ملزم به تبعیت از سیاست کرد.
- ۳- در صورتی که تعارضی بین رکن دولت و جامعه بروز کرده باشد (و همراستایی نقض شده باشد) باید به یکی از سه روش زیر عمل کرد:

- مرحله‌بندی یا فازبندی:** در این الگو ضروری است اجرای سیاست مدنظر مرحله‌بندی شده و در مرحله نخست صرفاً بخشی از سیاست اجرایی گردد که منافع جامعه به خطر نیفتد تا دولت بتواند با افزایش اعتماد و سرمایه اجتماعی زمینه را برای اجرای سیاست فراهم آورد. مرحله‌بندی در فاز تدوین سیاست باید طراحی شود.
- تضاد با گروه خاص:** در این الگو باید دامنه مضرات سیاست (یا دامنه عدم مطلوبیت سیاست) را به گروه خاص و کوچکی از اتحاد جامعه (قشر برخوردار) محدود کرده و اتحاد جامعه را با سیاست همراه ساخت.
- اقناع:** در مواردی که به هر تقدیر سیاست باید اجرا گردد و در این شرایط باید علل سیاست مدنظر را تبیین و برای اطمینان از همراهی جامعه، با رأی‌گیری (مستقیم یا غیرمستقیم) از اقناع و همراهی جامعه کسب اطمینان کرد.

مدل تدوین سیاست مبتنی بر مؤلفه‌های اقتصاد رفتاری براساس مرور ادبیات نظام‌مند

پرسش اصلی پژوهش پیش‌رو، فرایند تدوین سیاست مبتنی بر اقتصاد رفتاری است که این موضوع نیز در پژوهش‌های بررسی در این بخش مورد بررسی جداگانه قرار گرفت و براساس مرور ادبیات نظام‌مند، نهایتاً الگوی پنج مرحله‌ای زیر به‌همراه مؤلفه‌های اقتصاد رفتاری مرتبط با هر مرحله بدست آمد.



شکل ۱. فرایند تدوین سیاست مبتنی بر اقتصاد رفتاری برآمده از مرور ادبیات نظام‌مند

در جدول زیر، فرایند فوق تشریح شده است.

جدول ۶ تشریح مراحل تدوین سیاست و مؤلفه‌های اقتصاد رفتاری مرتبط

شرح مرحله	مرحله
در این مرحله معضل عمومی شناسایی و به صورت یک مسئله عمومی بیان شده تا امکان طرح آن در بسترهای سیاستگذار محقق گردد.	تشخیص و صورت‌بندی مسئله
در این مرحله مشروعیت مسئله به اثبات رسیده و سیاستگذار مربوطه و مشروع می‌پذیرد که حل مسئله مدنظر را در دستور کار قرار دهد.	مشروعیت‌سازی و دستورگذاری مسئله
در این مرحله سیاستگذار با تحلیل لایه‌ای، علت معضل مدنظر را کشف کرده و کانونی که باید آن را تغییر دهد تا تغییرات پایدار و مؤثر واقع شود، شناسایی می‌نماید.	ریشه‌یابی مسئله و دست‌یابی به کانون تغییر
در این مرحله کلیه کنشگران و ذی‌نفعان سیاست احصاء و مبتنی بر نظام انگیزش هر یک دسته‌بندی شده تا سیاستگذار بتواند زمینه طراحی تغییر مدنظر خویش (تعادل جدید) را فراهم سازد.	تحلیل ذی‌نفعان و کنشگران کلیدی
در این مرحله نهایتاً پس از طی موارد فوق، تغییر مدنظر طراحی شده و مکانیزم اجرایی آن (باتوجه به بند شماره ۴) تجویز می‌گردد. به نحوی که با کمترین هزینه، بیشترین بهره‌مندی حاصل گردد.	طراحی و تجویز تغییر

یافته‌های بدست آمده از استراتژی مطالعه موردی

پس از اجرای مرور ادبیات نظام‌مند و جمع‌بندی یافته‌های آن در بخش قبل، در این مرحله فرایند مطالعه موردی مبتنی بر روش ردیابی فرایند در دستور کار قرار گرفت و بار دیگر پرسش‌های اصلی و فرعی پژوهش مورد پژوهش قرار گرفت. بدین منظور دو سیاست قضائی ایران مورد بررسی موردی قرار گرفت.

مورد مطالعاتی شماره ۱: سیاست ساماندهی معاملات عادی

معاملات اموال غیرمنقول به دلیل ارزش بالای این اموال، همواره توسط مردم، قرین با تشریفات خاصی بوده است. مهم‌ترین جزء این تشریفات، مکتوب کردن قرارداد و ضمیمه نمودن دو شاهد بر انعقاد قرارداد است. این مکتوب کردن قرارداد، چنانچه به اطلاع حاکمیت برسد و تحت نظارت نماینده حاکمیت انجام شود «معامله رسمی» نام می‌گیرد و چنانچه بدون اطلاع حاکمیت انجام شود، تحت عنوان «معامله عادی» یاد می‌شود. پس از غوطه‌وری و رسیدن به مرز اشباع و اقدام به تجزیه و تحلیل و تئوری‌سازی از اطلاعات بدست آمده، موارد زیر به عنوان پرتکرارترین و کلیدی‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد رفتاری بکار رفته در لایحه بدست آمد که می‌توان ادعا کرد معماری لایحه مدنظر (به عنوان یکی از سیاست‌های موفق قضائی) متمرکز بر این موارد بوده است.

۱- **معماری انتخاب** که به معنای از دسترس خارج کردن، اولویت‌بندی کردن و دسترسی ایجاد کردن در بین تصمیمات افراد به نحوی است که به‌طور طبیعی انتخاب فرد متأثر شود.

۲- **قاب‌بندی** که به معنای برجسته کردن بخشی از پدیده که مورد تأیید و رضایت جامعه هدف می‌باشد.

۳- **مشوق‌ها** که به معنای اعطای تسهیلاتی است که منفعت فرد با منفعت جامعه (هدف سیاستگذار) همراستا شود.

همچنین پس از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها و بررسی نتایج سیاست مذکور، موارد زیر به عنوان دلالت‌های رویکرد اقتصاد رفتاری برای تدوین سیاست احصاء شد.

۱- **طراحی بازی برد - برد:** به معنای آن است که کلیه کنشگران کلیدی سیاست و نیز ذی‌نفعان کلیدی (مخاطبان اجرای سیاست) باید از منافع سیاست برخوردار شوند و احساس برد داشته باشند. سیاستگذار اگر نتواند تغییر مدنظر خویش را تبدیل به یک بازی برد- برد نماید (حداقل در لایه نخست و کنشگران و ذی‌نفعان کلیدی سیاست)، ضمانت اجرا و موفقیت سیاست کاهش یافته و ضریب شکست سیاست افزایش می‌یابد.

- ۲- احصاء کلیه کنشگران کلیدی و تمهید ضمانت اجرای درون‌زا (خودانگیزی) برای هر یک: مقوله دوم که مرتبط با مقوله اول نیز است، تمهید مکانیزم خودانگیزی برای هر یک از کنشگران محوری است. منظور از کنشگران محوری (برخلاف کنشگران کلیدی بند قبل) کنشگرانی است که بیش‌ترین نقش در فرایند اجرای سیاست بر عهده آن‌ها گزارده شده است.
- ۳- ضمانت اجرای سامانه‌ای و خودکار: منظور از این بند، تدقیق بند قبل و تجویز یکی از بهترین، کم‌خطاترین و کاربردی‌ترین مکانیزم‌های ضمانت اجرا یعنی ضمانت اجرای سامانه‌ای است که طی آن فرد مشارکت‌کننده اصولاً امکانی برای تصمیمی خلاف طراحی سیاستگذار ندارد. در این مدل، سامانه ساختار تصمیم‌گیری و رفتار فرد را نمایندگی می‌کند.
- ۴- خلق ذی‌نفع جدید: هر سیاست برون‌برد جامعه از یک وضعیت تعادلی به یک وضعیت تعادلی جدید است. اصولاً سیاستگذار باید بتواند تعادل درستی و پایداری را طراحی کند تا بتواند جامعه را از وضعیت اول به وضعیت ثانی حرکت دهد. هر تعادلی حول برآیندی از نیروها در نسبت با یکدیگر شکل می‌گیرد که به معنای یک وضعیت تعادلی جدید است. این وضعیت جدید ذی‌نفع جدید نیاز دارد. سیاستگذار باید بتواند با طراحی ذی‌نفعان جدید، وضعیت مدنظر خود را پایدار سازد.
- ۵- ساده‌سازی و یکپارچه‌سازی کلیه فرایندها، رویه‌ها و جریان‌های کاری موجود: این اصل که به‌نوعی متأثر از اصل هدایت ضمنی در نگرش اقتصاد رفتاری است، بر ساده‌سازی فرایندها و رویه‌ها تأکید می‌کند تا بتواند میزان کنترل و تسلط قوه قاهره (سیاستگذار) را ارتقاء دهد.

مورد مطالعاتی شماره ۲: سیاست اصلاح قانون چک

از روزهای آغازین شروع فرایند پژوهش، هم‌زمان عملیات مطالعه موردی نیز با بررسی مورد مطالعاتی شماره ۲ نیز اجرایی گردید. پس از غوطه‌وری در اطلاعات بدست‌آمده از مورد مطالعاتی نهایتاً مؤلفه‌های زیر به‌عنوان مؤلفه‌های اقتصاد رفتاری بکار رفته در تدوین سیاست چک بدست آمد.

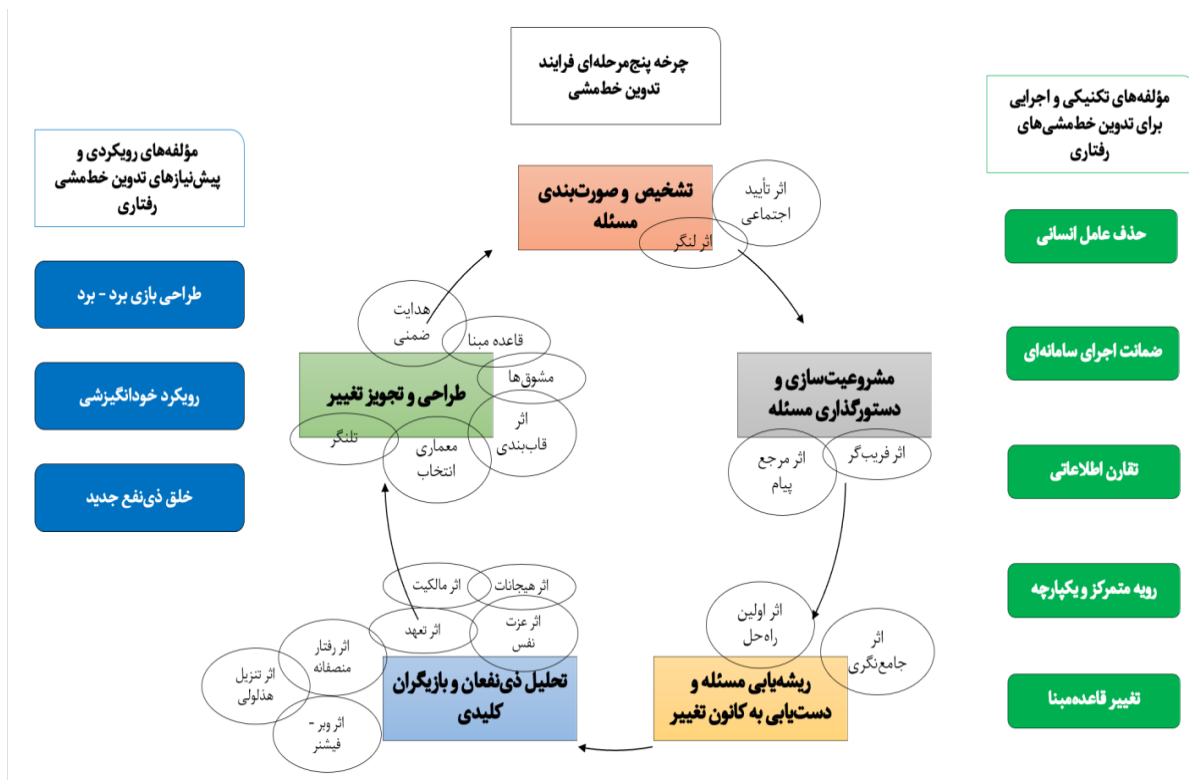
- ۱- قاعده‌مبنا که به معنای بهره‌برداری از حس قدرت‌مند عدم تغییر حالت اولیه در جامعه هدف است.
- ۲- معماری انتخاب که همان‌طور که در بخش قبل گفته شد، به معنای از دسترس خارج کردن، اولویت‌بندی کردن و دسترسی ایجاد کردن در بین تصمیمات افراد به نحوی است که به‌طور طبیعی انتخاب فرد متأثر شود.
- ۳- توازن قوا که به معنای ایجاد توازن قدرت و امکان مداخله در بین طرفین درگیر در اجرای مفاد سیاست است. و نهایتاً دلالت‌های برآمده از مؤلفه‌های فوق برای سیاستگذار عبارت‌اند از:
 - ۱- حذف عامل انسانی. یکی از مؤلفه‌های پیش‌برنده در این مورد مطالعاتی حذف عامل انسانی به‌صورت حداکثری و ارجاع شرح وظایف به سامانه مبتنی بر ضوابط مشخص بوده است.
 - ۲- تغییر قاعده‌مبنا. به معنای آنکه پیش‌فرض و حالت اولیه (مبنا) به‌نحوی طراحی گردد که کمترین هزینه به ذی‌نفعان وارد و مسیر فعالیت در روند طبیعی حفظ شود.
 - ۳- تقارن اطلاعاتی. همان‌طور که توضیح داده شد، تقارن اطلاعاتی به‌دلیل ایجاد توازن قوا بین طرفین معامله می‌تواند موجبات مکانیزم‌های خودتوافقی و پیشگیری از وقوع جرم و تخلف را فراهم آورد.

از بین مؤلفه‌های بدست‌آمده فوق برخی به دلیل ماهیت قضائی موردهای مطالعاتی بررسی شده، بیشتر در سیاستگذاری‌های بخش قضائی کاربرد داشته و برخی دیگر ماهیت و کاربرد عام‌تری دارند. از جمله به‌دلیل تفوق «ماهیت رسیدگی و پیسنی بودن» سیاست‌های قضائی، مؤلفه‌های تغییر قاعده‌مبنا، یکپارچه و ساده‌سازی فرایندها (عموماً شامل فرایندهای رسیدگی) و نیز ایجاد تقارن اطلاعاتی که اثر پیشگیرانه بر شکل‌گیری دعوا، اختلاف و جرم دارد، کاربرد وسیع‌تری در سیاستگذاری قضائی داشته و

سایر مؤلفه های بدست آمده علاوه بر سیاستگذاری قضائی در سایر بخش ها نیز می تواند مورد استفاده قرار بگیرد. این تفکیک در بخش مربوط به توصیه های سیاستی دلالت های متمایز خود را نشان خواهد داد.

تجزیه و تحلیل یا بحث

مسئله اصلی پژوهش پیشرو کاهش نرخ شکست سیاست های عمومی از طریق مداخله مؤلفه های رفتاری در مرحله تدوین سیاست بود. در حال حاضر در تدوین سیاست های عمومی توجه اصلی سیاستگذار بر «بایدها» و مواردی است که کنشگران، ذی نفعان و مخاطبان سیاست باید آن را در دستور کار خود قرار دهند و در واقع «مجری» آن باشند. آنچه ضروری است برآورد واقع بینانه میزان پذیرش و تبعیت کنشگران و مخاطبان سیاست از نهاد سیاستگذار و تمهید برای خلاء احتمالی میزان بدست آمده با میزان مدنظر سیاستگذار است. رکن کلیدی به دست آمده که به عنوان سؤال فرعی پژوهش از ابتدا مطرح بود و بعدتر در ادامه فرایند پژوهش نیز بارها مورد تأکید قرار گرفت (هم در مرور ادبیات نظام مند و نیز در بررسی موردی مطالعاتی که این عامل پرتکرارترین گزاره احصاء شده در فرایند خبره سنجی و مصاحبه های پژوهش بود) مسئله همراستا سازی منافع و انگیزه کنشگران و مخاطبان سیاست با منفعت عامه (که مدنظر سیاستگذار بوده است) بود. این گزاره با عنوان «سازماندهی رفتاری سیاست» نام گذاری گردید و در شکل زیر به عنوان یافته نهایی پژوهش ارائه شده است.



شکل ۳. مدل تدوین سیاست مبتنی بر اقتصاد رفتاری

نتیجه‌گیری

مطابق با آنچه ارائه شد، یکی از مهم‌ترین مسائل امروز سیاستگذاری عمومی در ایران، به‌ثمر رسیدن سیاست است که نیازمند تمهید ضمانت اجرا برای هر سیاست است. به بیان دیگر باید از اجرای سیاست اطمینان حاصل کرد تا نتایج آن بدست آید. با این وجود توجه سیاستگذاران و سیاست‌پژوهان به این عامل کلیدی به اندازه کافی نبوده که نتیجه آن انبوهی از سیاست‌های اجرا نشده است. که در یکی از موارد در بخش چارچوب نظری اشاره گردید که تنها در مجلس شورای اسلامی و در بخش مربوط به سیاست‌های قضائی، بیش از ۱۰۰۰ سیاست تدوین شده است. نپرداختن سیاستگذاران به این مسئله دلایلی دارد. یکی از دلایل مفروض و پیش‌فرض اولیه دانشمندان از انسان و الگوی تصمیم‌گیری و رفتاری او مبتنی بر دیدگاه انسان عقلایی بوده است؛ پیش‌فرضی که توصیفی صد در صد عقلانی، پیش‌بینی‌پذیر، یک‌دست و ثابت از الگوی تصمیم‌گیری و رفتار انسانی ارائه کرده است و سیاستگذاران را دچار این خطای راهبردی کرده که می‌توانند به سادگی و باصرف کمترین وقت و هزینه رفتار انسان‌ها (کنشگران و مخاطبان سیاست) را پیش‌بینی و برنامه‌ریزی کنند. **واقعیت**، سیلی سختی به این دیدگاه وارد کرده است. دلیل دیگر شاید ریشه در عمق تاریخی حکومت‌داری در ایران داشته باشد. پیش از دوره جدید (وقوع انقلاب اسلامی) حکومت‌داری در ایران معادل بود با سلطنت. در این نوع حکومت‌داری، چیزی که توسط حکومت (دولت) صادر می‌شود، نه سیاست، بلکه «دستور» بوده و برای آحاد جامعه مطاع. در این شکل ساختاری از دولت، اصولاً سیاستگذار نیازی به محاسبه، پیش‌بینی و برنامه‌ریزی یا طراحی بازی^۱ برای پیش‌برد هدف و منظور خود نداشته و صرف صدور سیاست (به مثابه دستور یا فرمان) کافی است. اگرچه این ساختار از حکومت‌داری و سیاستگذاری سال‌هاست که از بین رفته، با این وجود به دلیل سابقه طولانی، بخشی از آن به عنوان «**فرهنگ سیاستگذاری عمومی**» در عمق فکر و رفتار سیاستمداران و مدیران وارد شده و کماکان رفتار براساس آن صورت می‌پذیرد. دیدگاه‌های سنتی‌تر به‌همین دلیل بیش‌تر به این عارضه مبتلا هستند. دغدغه پژوهش مبنی بر ورود و مداخله رویکردهای رفتاری و به‌طور مشخص اقتصاد رفتاری در فرایند سیاستگذاری عمومی به این دلیل و باهدف تولید ضمانت اجرا برای سیاست‌ها بوده است. رویکرد رفتاری می‌تواند دیدگاهی واقع‌گرایانه و توصیفی دقیق‌تر از تصمیم‌گیری و رفتار انسانی ارائه دهد و بر این اساس سیاستگذار عمومی می‌تواند با پیش‌بینی و تحلیل رفتار جامعه، سیاست را به‌نحوی تدوین نماید که نرخ شکست آن کمینه گردد. درواقع مؤثرترین ضمانت اجرا که علاقه و برخورداری از منافع اجرای سیاست است، اثری است که می‌توان منطبق بر مدل فوق و از طریق سازمان‌دهی رفتاری سیاست‌بدان دست پیدا کرد.

توصیه سیاستی

براساس یافته‌ها و نتایج بدست آمده در ادامه توصیه‌هایی برای سیاست‌پژوهان و سیاستگذاران در قالب توصیه‌های سیاستی ارائه می‌گردد.

توصیه ۱: لزوم همراستایی نظام انگیزش کنشگران سیاست و مخاطبان سیاست

مبتنی بر رویکرد اقتصاد رفتاری، مهم‌ترین ضمانت اجرا برای پیش‌برد اهداف سیاستگذار، انگیزه درونی کنشگران است. به عبارت دقیق‌تر کنشگر سیاست خود باید ذی‌نفع در اجرای سیاست باشد. هنر سیاستگذار و پیچیدگی امر سیاستگذاری عمومی این است که این همراستایی محقق گردد.

توصیه ۲: لزوم پنهان و ضمنی بودن غرض سیاستگذار

غرض و هدف نهایی سیاستگذار می‌تواند در ذیل لایه‌هایی چندگانه پنهان شده باشد. به عبارت دیگر در مواردی که سیاست مدنظر رفع معضلی مهم از جامعه را هدف گرفته اما بنا بر دلایلی کنشگران یا مخاطبان سیاست پذیرش کافی برای درک و اجرای آن را نداشته، سیاستگذار می‌تواند در ضمن سیاست دیگری با حساسیت کمتر، هدف محوری خویش را دنبال کند.

توصیه ۳: لزوم معماری انتخاب مخاطب سیاست

مخاطب سیاست باید بتواند با بیش‌ترین انگیزه ممکن در راستای هدف سیاستگذار فعالیت نماید. بیش‌ترین میزان انگیزه در فرد براساس رویکرد اقتصاد رفتاری مقوله‌ای نسبی است که از میزان انتخاب‌های «موجود» فرد نشئت می‌گیرد. سیاستگذار باید انتخاب‌های ممکن و مطلوب مخاطب سیاست را طوری طراحی نماید که فرد بتواند مطلوبیت خویش را در گزینه‌های موجود بیابد و مبتنی بر انگیزه و رضایت درونی، حرکت نماید.

توصیه ۴: واکاوی پدیده‌ها تا رسیدن به ریشه وقوع پدیده

سیاستگذار باید کانون تغییری که منجر به حل معضل عمومی می‌شود، بیابد و برای رفع آن سیاست را تدوین نماید. کانون تغییر، «ریشه و علت» پدیده‌ای است که در روبنا خود را به جامعه نشان داده است. ریشه پدیده ممکن است فاصله‌ای طولانی با روبنای جامعه داشته و در لایه‌های زیرین جامعه پنهان شده باشد.

توصیه ۵: احصاء کلیه ذی‌نفعان و ترسیم شبکه انگیزش کنشگران سیاست

موفقیت در تدوین سیاست در گرو درک و برنامه‌ریزی نظام انگیزش افراد درگیر با سیاست است. سیاستگذار پس از کشف علت پدیده، باید بیش‌ترین توجه و تمرکز خود را معطوف به شناخت، تحلیل و برنامه‌ریزی مدیریت نظام انگیزش کنشگران سیاست کند.

توصیه ۶: توجه به قدرت گزینه‌های پیش‌فرض و تغییر قاعده‌مبنا

یکی از نکات مهم در تدوین سیاست‌های رفتاری توجه به قدرتی است که حالت‌های پیش‌فرض دارد. معمولاً کسی درباره حالت پیش‌فرض سؤال ندارد و جریان حرکت عمومی بر مبنای حالت پیش‌فرض صورت می‌پذیرد. حالت پیش‌فرض در تحلیل رفتارگرایان امری بدیهی بوده و نیازی به آگاه‌سازی یا اقناع مخاطب ندارد. بنابراین سیاستگذار می‌تواند با تغییر قاعده مبنا (حالت پیش‌فرض) میزان همراهی با سیاست را کاملاً افزایش دهد.

References

1. Alvani, Seyed Mahdi; Sharifzadeh, Fattah. (2014). Public policy making process. Publication of Allameh Tabatabaie University [in Persian].
2. Amiri, Meisam. (2017). Behavioral economics and tax evasion. Economic research journal of Allameh Tabatabaie University, 17, 95-130 [in Persian].
3. Beach, Derek; Pedersen, Rasmus. (2019). Process-Tracing Methods: Foundation and Guidelines. University of Michigan Press.
4. Bettany, Josette. (2012). How to do a Systemic Literature Reviews in Nursing. McGraw-Hill Education.
5. Chetty, Raj. (2015). Behavioral Economics and Public Policy: A Pragmatic Perspective. Harvard University and NBER.
6. Creswell, John. (2011). Qualitative survey and research plan. Safar Publishing, second edition. [in Persian].
7. Danaeifard, Hassan. (2009). Methodology for developing the country's national entrepreneurship policy: a conceptual framework. Entrepreneurship Development, 6, 125-155. [in Persian].
8. Danaeifard, Hassan and others. (2011). Understanding the transfer of administrative reform policy in Iran studies based on data base strategy. Journal of Organizational Culture Management, 2, 5-28. [in Persian].
9. Danaeifard, Hassan; Moghadspour, Saeed. (2012). Analyzing the key factors in the failure of public policies in the Islamic Republic of Iran (investigation of tax policies). Management of organizational culture, 1, 33-68. [in Persian].
10. Dowding, Keith; King, Desmond. (1995). Institutional and Rational Choice. Oxford: Clarendon Press.

11. Gilad, Benjamin; Kaish Stanley. (1984). From Economic Behavior to Behavioral Economics: The Behavioral Uprising in Economics. *Journal of behavioral economics*, 8, 1-24.
12. Gilad, Benjamin; Kaish Stanley. (1982). A Note on the Past and Future of Psychoeconomics. *Journal of behavioral economics*, 2, 132-163.
13. Griggs, Edwin. (2007). *Rational Choice in Public Policy: The Theory in Critical Perspective*. Taylor & Francis Group, LLC.
14. Hosseini, Seyed Hamid. (2003). Where did behavioral economics take shape in the 1950s and early 1960s: University of Michigan or Carnegie. *Journal of economic research and policies*, 29, 3-32. [in Persian].
15. Hugh, Arnold; Daniel, Feldman. (1986). *Organization Behavior*. McGraw-Hill.
16. Kraft, Michael; Furlong. (2004). *Public Policy, Political, Analysis, and Alternatives*. CQ press, University of Wisconsin-Green Bay.
17. Kevin, Smith; Larimer, Christopher. (2009). *The Public policy political theory primer*. West view press.
18. Park, Seung. (2000). Interfirm Rivalry and Managerial Complexity: A Conceptual Framework of Alliance Failure. *Organization Science*, 12, 37-53.
19. Pressman Jeffery; Wildawsky, Aaron. (1973). *How great expectation in Washington are dashed in Oakland*. University of Californian, Berkley.
20. Simon, Herbert; March James. (1958). *Organizations*. Wiley, New York.
21. Shushtripour, Hamidreza. (2015). An introduction to the case study research method. The fourth conference of management, economics and accounting with a value creation approach. [in Persian].
22. Taylor, Richard. (2008). *Nudge*, translated by Behnam Shehai. Kind publication [in Persian].
23. Yen, Robert. (2008). *Application of case study*, translated by Seyed Mohammad Arabi and Ruhollah Sohrabi. Cultural Research Office. Tehran. [in Persian].